پرسه در خبر

سفر ابدی هنرمند و بالارفتن قیمت آثارش متقلبان را دست‌به‌کار کرد

برخورد قانونی با جاعلان آثار صادق تبریزی

● **گروه هنر:** سفر ابدی صادق تبریزی بهانه‌ای شده برای جاعلان آثار هنری تا اقدام به جعل و کپی آثار این هنرمند فقید کنند. در پی مشاهده مواردی از جعل آثار زنده‌یاد تبریزی، نماینده خانواده تبریزی از پیگیری قضائی این مسئله خبر داد. مهرداد فلاح، نقاش و خواهرزاده صادق تبریزی، ضمن محکوم‌کردن اقدام به جعل آثار این هنرمند توسط عده‌ای سودجو گفت: «پیرو اختیاراتی که دایی اینجانب پیش از درگذشت و همچنین خانواده ایشان به من داده‌اند، اعلام می‌کنم که پس از درگذشت استاد تبریزی و بالارفتن قیمت آثار ایشان، عده‌ای سودجو اقدام به ساخت آثاری جعلی با امضای این هنرمند کرده‌اند. پرونده یکی از آنها در دادگاه از طریق شکایت من به‌عنوان نماینده خاندان تبریزی در حال پیگیری است. گوشزد می‌کنم اگر جاعلان بخواهند به جعل آثار این هنرمند ادامه دهند، در سطح ایران و در سطح بین‌المللی از طریق مراجع قضائی با آنها برخورد قانونی خواهد شد».

فلاح درباره اثرات برخورد با پدیده جعل و جاعلان آثار هنری افزود: «برخورد با جاعلان آثار هنری دو نتیجه مهم در پی دارد؛ از یک‌سو از پایمال‌شدن حق و حقوق مادی و معنوی هنرمند و خانواده او جلوگیری می‌کند و از سوی دیگر زمینه‌ای می‌شود برای حمایت از هنر و پاسداری از حقوق خریداران و مجموعه‌داران آثار هنری».

این نقاش همچنین تصریح کرد: «در رابطه با دریافت سرتیفیکیت و کارشناسی آثار این هنرمند و اطمینان از اصالت اثر خریداری‌شده، هیچ‌گونه مبلغی از خریداران محترم دریافت نمی‌شود».

صادق تبریزی، پایه‌گذار نقاشیخط در ایران و از هنرمندان مکتب «سقاخانه»، سال گذشته در ۷۹ سالگی در لندن درگذشت. او فارغ‌التحصیل کارشناسی‌ارشد رشته معماری داخلی از دانشکده هنرهای تزئینی است. صادق تبریزی از پیشروان مکتب سقاخانه در هنرهای تجسمی ایرانی و از هنرمندان مهم جریان «سقاخانه» شناخته می‌شود. او از سال‌های ۱۳۳۷ آثار خود را در نمایشگاه‌های مختلف به نمایش گذاشته است. آمریکا، سوئد، فرانسه، چک‌واسلواکی، ایتالیا، استرالیا، دوبی و... کشورهایی هستند که آثار او را نمایش داده‌اند. بسیاری از گالری‌دارها و کلکسیونرها تلاش دارند که آثار هنری صادق تبریزی را خریدوفروش کنند. صادق تبریزی یکی از کمال‌یافته‌ترین هنرمندان ایران در مقیاس هنر بین‌المللی است. روزنامه لوموند (۱۹ آوریل ۱۹۷۲) آثار تبریزی را این‌طور توصیف می‌کند: «نقطه‌ها، سرکشی‌ها، خطوط کوتاه و بلند همراه با حرکت دست هنرمند درهم می‌آمیزند، از هم جدا می‌شوند، گرد خود می‌چرخند، می‌لرزند، شانه به شانه هم می‌سایند و دور می‌شوند تا در این میان هزاران چشم‌انداز لرزان را به ما القا کنند. این نقاشی غنایی که پیوسته از هر نوع قالب‌بندی سازنده و منضبط آزاد و آزادتر می‌شود و در کارهای متأخر، فرم‌های نوشتاری در آنها موجزتر از پیش شده است، از نیروی فریننده قدرتمندی برخوردار است».

نصرالله افجه‌ای در گفت‌وگویی اعلام کرده بود صادق تبریزی نخستین کسی است که هنر نقاشیخط را به شکل امروزی و معاصرش ابداع کرد و برای جامعه به نمایش گذاشت و در بروز و ظهور آن نقش مهمی ایفا کرد.

گفت‌وگو با ابوالفضل پورعرب

آن دیروزهای ثبت‌شده...

پوریا ذوالفقاری

عکس: هانیه زاهد

ابوالفضل پورعرب سال‌ها بازیگر خوش‌عکس سینمای ما بود. بیراه نیست اگر بگوییم بسیاری عاشق عکس‌های او می‌شدند. چهره اش در ترکیب با خوش‌ژست‌بودن و قرارگرفتن مقابل دوربین عکاسانی که بهترین زوایای چهره او را می‌شناختند، بهترین مواد تبلیغاتی فیلم‌ها، به‌ویژه در دهه ۷۰ بود! همچون نیکی کریمی با «عروس» حضورش را در سینما تثبیت کرد. حالا نیکی کریمی دبیر جشن عکاسان است و نام پورعرب در کنار چهره‌های بزرگداشت این جشن دیده می‌شود. این دو بازیگر پس از عروس امکان و بهتر بگوییم اجازه هم‌بازی‌شدن با هم را نیافتند و از این نظر این بزرگداشت علاوه‌بر جذابیت تحلیل از چهره‌های محبوب و خوش‌عکس، جنبه‌های فرامتنی بسیاری هم دارد. پورعرب با فروتنی درباره جذابیت تصاویر خودش حرف می‌زند و به شهادت عملکردش هیچ تمایلی به انتشار تصاویر خود و قرارگرفتن مداوم در مقابل دوربین عکاسان نداشته، چنان‌که حتی صفحه‌ای هم در فضای مجازی ندارد، اما واقعیت این است که عکس در زندگی او همیشه نقش پررنگی بازی کرده است؛ از همان عکس‌های تماشایی که ذکرش رفت گرفته تا انتشار عکسی از چهره تکیده او در همین دهه ۹۰ که منشأ شایعات زیادی شد.

اصطلاح بازیگر خوش‌عکس دست‌کم تا دهه ۸۰ درباره هیچ بازیگری به اندازه شما به کار نرفته است. احساس خودتان وقتی عکس‌هایتان را می‌دیدید چه بود؟

هیچ‌وقت تصاویرم را دوست نداشتم.

واقعا؟ چرا؟

توضیح سینمایی اینکه می‌گویند بازیگری خوش‌عکس است یعنی نگاتیوش، پوزیتیو می‌شود و تصویرش به قول معروف جواب می‌دهد. خب من با این توضیحات و این زاویه نگاه‌ها بیگانه بودم. در تئاتر مشغول بودم و حس می‌کردم راهی به سینما نخواهم داشت، چون سینما پارتی می‌خواهد که من ندارم. تا اینکه برای فیلم «عروس» آقای افخمی من را انتخاب کرد. باورش برایم سخت بود. بعد از این‌همه سال بدون اغراق بگویم که لحظه‌ای احساس ستاره‌بودن نداشتم. این سینما بزرگانی مثل محمدعلی فردین و ناصر ملک‌مطیعی را داشته یا آقای وثوقی. وقتی دیدم این جایگاه آن‌قدر راحت می‌تواند از دست برود، به سختی پذیرفتم که سوپراستارم یا اصلا می‌توانیم سوپراستار داشته باشیم. با این وضع طبیعی است که دیگر به مسائلی مثل خوش‌عکس‌بودن و... فکر نکرده باشم.

اولین‌بار که عکستان را مقابل سینما دیدید چه حسی داشتید؟

آن زمان روی سردر عکس نمی‌زدند. نقاشی بود. راستش احساس کردم خیلی زشتم... .

منظورم عکس‌هایی بود که در ویترین می‌زدند و هنوز هم گاهی می‌زنند. می‌رفتید عکس‌هایتان را تماشا کنید؟

بله، آخر شب‌ها می‌رفتم و می‌دیدم. هنوز هم این کار را می‌کنم. ببینید آن زمان عکس‌ها کارکرد داشت؛ یعنی مردم بر اساس جذابیت عکس‌ها تصمیم به تماشای فیلم می‌گرفتند. بحث زیبایی و خودنمایی نبود واقعا. بخشی از پروسه اکران و جذب مخاطب بود.

بله، ولی بالاخره آدم به عکس خودش احساس دارد. اینکه شما تصویر خودتان را دوست ندارید، عجیب است.

شاید روحیه‌ام این شکلی است. یک‌بار سر فیلم عروس بعد از چند جلسه فیلم‌برداری با آقای حقیقی و افخمی رفتیم راش‌ها را ببینیم. به حدی از خودم بدم آمد که از کارگردان خواستم من را عوض کنند. آقای حقیقی آرامم کرد و بعد نصیحت کرد که هیچ‌وقت راش را نبینم. هنوز هم حاضر نیستم بروم پای مانیتور بنشینم و برداشت‌ها را تماشا کنم.

بهترین عکسی که در همه این سال‌ها از خودتان دیدید و دوستش دارید، چه بوده؟

سر فیلم «مهاجران» مشغول غذادادن به یک الاغ بودم، وقتی عکاس شاتر زد دیدم که حیوان زبان‌بسته چقدر اذیت شد از نور فلاش دوربین و من چون عاشق حیوانات هستم، ناراحت شدم که باعث آزار حیوان شدیم. دوست داشتم عکس آن پلان را داشته باشم و از عکاس خواستم آن را به من بدهد و داد. عکس دیگری در آن فیلم را که دور آتش نشسته‌ایم و من مشغول دف‌زدن هستم دوست دارم.

از عکس‌های پشت‌صحنه یک عکس مشهور با زنده‌یاد فردین دارید. اگر اشتباه نکنم سر صحنه باد و شقایق است.

بله. سر فیلم‌برداری به من گفتند که آقای فردین سر صحنه تشریف می‌آورند. به آقای انتظامی گفتم که آقای فردین دارند می‌آیند؛ شما که مشکلی ندارید؟ ایشان گفت نه. خیلی هم خوب است. یادم هست دقیقا وسط پلان آمدند. من همان لحظه کار را رها کردم و وسط فیلم‌برداری به سمت ایشان رفتم و دستشان را بوسیدم. روز بسیار خوبی بود.

خودتان از ایشان خواستید عکس بگیرید؟

من خواهش کردم که عکس بگیریم. عکسی است که هنوز خوب نگاهش می‌کنم.

جز این موردی بوده که خودتان پیشنهاد عکس یادگاری بدهید؟

یکی، دو بار پیش آمده که خواسته‌ام با کسی عکس بگیرم. یکی‌شان پسری بود که در فیلم سازدهنی بازی کرده است. دوست داشتم با او عکسی داشته باشم. کسانی که از طبقه پایین جامعه برای بازی در فیلمی انتخاب و بعد از مدتی به حال خودشان رها می‌شوند، همیشه برایم متأثرکننده‌اند.

آنها مصداق جمله معروف «سینما بی‌رحم است» هستند.

سینما بی‌رحم نیست، ما بی‌رحمیم. در هیچ کجای دنیا چنین اتفاقاتی را نمی‌بینید. اصلا اینکه در سینمایمان ستاره نداریم، دلیلش این است که آسمانی برای درخشش ستاره‌ها نداریم. در سینما تنها رفاقت ماندگار است. خوشحالم که انجمن عکاسان سینمای ایران این لطف و مهر را به من داشت که بزرگداشتی در چهارمین جشنش برای من ترتیب بدهد اما این وظیفه دولت است. هرچند چندباری دولت خواست این کار را انجام بدهد اما قبول نکردم.

خب چرا قبول نکردید؟

برایم مهم نبود. من با دلم تصمیم می‌گیرم. در زندگی چرتکه نمی‌اندازم. به اطرافمان نگاه کنیم؛ اکبر عبدی جزء نوابغ هنر این کشور است. تنها بازیگری است که در هر نقشی درخشان است؛ زن‌پوش و مرد و کودک و... هیچ‌کس نتوانسته مثل او این‌قدر خوب و درخشان باشد. مدتی است مریض‌احوال است.

در برنامه تلویزیونی‌اش آشکارا می‌بینیم که سخت راه می‌رود. چه کسی به او بها داده است؟ اگر کسی هم اهمیت می‌دهد، این مردم هستند. دولت خیلی زرنگ باشد به اختلاس‌ها برسد.

دبیر این دوره از جشن عکاسان سینمای ایران خانم نیکی کریمی است. بازیگری که با هم در عروس درخشیدید و طبیعی بود پس از آن فیلم پیشنهادهای همکاری مشترک برایتان از راه برسد اما به طرز عجیبی هرگز هم‌بازی نشدید و مشخص بود که نگرانی‌هایی در پس ماجرا وجود دارد.

بله، نگذاشتند هم‌بازی شویم. چندباری بنا بود با هم بازی کنیم، یا من را عوض کردند یا ایشان را. سر فیلم چهره ایشان حتی تمرین هم کرد و من هم مطمئن بودم قرار است با ایشان بازی کنم اما دقیقه ۹۰ بازیگر دیگری جایگزینشان شد.

فکر می‌کنم اینکه در جشنی با حضور ایشان دیر از شما تجلیل شود، اتفاق جذابی است. یک شات دونفره که پیرو نگرانی‌ها و توهم‌های عجیب‌وغریب مدیران سه دهه پس از عروس به سینمایمان ارائه می‌شود.

خب من از این بابت متأسفم. من روی کسانی که می‌دانم از کجا آغاز کرده‌اند و چه راه سختی برای رسیدن به جایگاهشان پیموده‌اند تعصب دارم. یکی از اینها نیکی کریمی است. شاهد بودم چقدر تلاش کرد و چقدر خوب جلو آمد. یا مثلا وقتی نامم را برای دریافت سیمرغ بلورین اعلام کردند، رفتم از خسرو شکیبایی اجازه گرفتم. چون ایشان را هم می‌شناختم و از روزگار تئاتر شاهد بودم چقدر سختی کشید تا به این درجه برسد. این نگرانی‌هایی که گفتید، برایم عجیب است.

تا زمان نمایش فیلم قرمز در جشنواره هرگز زن و مرد اصلی یک فیلم با هم سیمرغ نگرفته بودند. به نظر می‌رسد مدیران تا سال‌ها نمی‌خواستند یک زوج هنری در سینما شکل بگیرد. مثل مقاومتی که در برابر اهدای سیمرغ به مهدی هاشمی در فیلم همسر صورت گرفت. چون فاطمه معتمدآریا برای آن فیلم جایزه گرفته بود.

البته بحث سیاست با هیئت داوری خیلی فرق می‌کند. اگر معتمدآریا جایزه گرفته است حتما حقش بوده و اگر مهدی هاشمی جایزه‌ای دریافت نکرده است، حتما زمانش نبوده یا کسی از او سزاوارتر بوده است. فکر می‌کنم ما قربانی سیاست شدیم.

دریافت جایزه فیلم فجر برای شما هم طولانی شد؟

هفت سال طول کشید تا کاندیدا شوم. برای فیلم نرگس کاندیدا شدم که جایزه ندادند.

درحالی‌که همه حدس می‌زدند شما جایزه می‌گیرید.

برای فیلم عروس بسیاری لطف داشتند و این حدس را می‌زدند. وقتی برای عروس جایزه نگرفتم، مجید قاری‌زاده - که از همین جا به او سلام می‌کنم- حرف درستی زد و گفت تو جایزه‌ات را از مردم می‌گیری. دقیقا همین شد و عروس راه را برایم باز کرد.

آیا آلبومی از عکس‌های فیلم‌هایی که بازی کرده‌اید، دارید؟

یک آلبوم دارم ولی عکس‌های زیادی در آن نیست.

اصلا به آن سر می‌زنید؟

بالای تختم است چهار، پنج فریم عکس در آن هست که خیلی برایم اهمیت دارد.

چقدر عجیب! فیلم‌هایتان را هم نگاه نمی‌کنید؟

همه را نه. مهاجران را نگاه می‌کنم و گاهی وقتی فیلم عروس از تلویزیون پخش می‌شود، آن را می‌بینم. البته خوشحالم که تعدادی از فیلم‌هایم مثل عروس هنوز مانده‌اند و مخاطب را با خودشان می‌کشند؛ یعنی من تصمیم نگرفته‌ام فیلم را تا انتها ببینم. واقعا فیلم من را با خودش همراه می‌کند. وگرنه خودم اهل اینکه دائما تماشای‌شان کنم، نیستم. عروس را کلا یک بار در سالن سینما دیدم و هیچ‌وقت هم رویم نشده فیلمم را با کسی تماشا کنم.

با اینکه خودتان را در عکس‌ها دوست ندارید؛ اما عکس همیشه در زندگی حرفه‌ای‌تان نقش مهمی بازی کرده است. از عکس‌های جذاب دوران جوانی تا آن عکس معروف در روزگار بیماری که منشأ شایعات زیادی شد.

کلا همیشه از این حاشیه‌ها فراری بوده‌ام. هنوز هم وقتی به شمال می‌روم، جرئت رفتن به استخر را ندارم. گاه دوستانی دعوتم می‌کنند که با هم شنا برویم؛ ولی نمی‌پذیرم؛ یعنی می‌ترسم مبادا یکی در آن شرایط عکسی بگیرد و ماجرا بشود. درباره آن عکس من ۱۲۳ کیلو بودم و به دلیل بیماری ۶۱ کیلو شده بودم. پس می‌دانستم چه شرایطی دارم و وقتی تصمیم گرفتم به تجمع هنرمندان بروم، می‌دانستم آنجا دوربین‌ها هستند و عکس‌هایی از من منتشر می‌شود. خود عکس ناراحتم نکرد؛ ولی شایعات بعدش خیلی تلخ بود. اعتیاد و ایدز و... وگرنه اصلا شروع ماجرا با همین تحلیل‌رفتن چهره‌ام بود. سر «وضعیت سفید» بودم که یک روز نعمت‌الله به من گفت راکوردت نمی‌خواند؛ یعنی چهره‌ام داشت تغییر می‌کرد.

پس حتی جرقه آگاهی از بیماری‌تان هم با تصویر زده شده است.

بله. یک روز دکتر سر صحنه آمد و همان‌جا معاینه‌ام کرد و بعد از آزمایش بستری شدم و تشخیص داده شد که سرطان دارم؛ ولی آن عکس یک خوبی داشت. با آن عکس میانسالی را قبول کردم. اگر آن عکس نبود، شاید باورم نمی‌شد که ۵۰سالگی را رد کرده‌ام.

پیش‌ازآن این را قبول نکرده بودید؟

نه اصلا.

البته واقعا هم تا پیش از بیماری چهره شکسته‌ای نداشتید؛ یعنی تیپ‌تان جوان‌تر از سن‌تان بود.

انگار پیرو آن اتفاق متوجه موهای سفیدم شدم.

دهه ۷۰ یک‌سری نشریات در دو صفحه وسط پوستر بازیگران را کار می‌کردند. آن دو صفحه کلی هوادار داشت. خاطرم هست یکی از بازیگرانی که عکسش زیاد کار می‌شد، شما بودید. آیا آن زمان فضا به شکلی بود که بین بازیگران این حرف‌ها باشد که چرا عکس یکی بیشتر از دیگران کار می‌شود؟

نه اصلا ربطی به ما نداشت.

دقت نمی‌کردید که عکس‌تان را کدام نشریات چاپ کرده‌اند؟

چرا خب ما با هم ارتباط داشتیم و برای‌مان جذاب بود.

مناسبات سینما در سال‌های اخیر تغییر کرده است. چیزی که این روزها باب شده، حضور در مراسم‌های مختلف و گزارش‌های تصویری بسیاری است که بیشتر جنبه تبلیغاتی دارد. اکران‌های مردمی بخش جدایی‌ناپذیری از رویدادهای سینمایی ما شده‌اند. شما هم چندباری در این اکران‌ها حاضر شده‌اید. احساس واقعی‌تان به این مراسم و قرارگرفتن در کانون توجه و فلاش‌های دوربین عکاسان چیست؟

ظاهرا با لبخند تظاهر به دوست‌داشتن می‌کنیم. اکران‌های مردمی بیشتر از جنبه کمک به تهیه‌کننده مهم است. قطعا من به‌عنوان یک بازیگر دوست دارم سرمایه تهیه‌کننده برگردد و قطعا اگر از دوستان نزدیکم باشد، کمکش کنم؛ اما واقعا به چشم تفریح به این رخدادها نگاه نمی‌کنم؛ مثلا چند وقت پیش دوستان فیلم به وقت خماری برای اکران آلمان و آمریکا از من دعوت کردند. واقعا لطف داشتند؛ ولی نپذیرفتم. گفتم اگر قرار باشد به آلمان بروم، حالا یک روز دیگر می‌روم.

گریم‌های مختلفی روی چهره‌تان اجرا شده است؛ ولی ابوالفضل پورعرب را با تیپ مشخصی به یاد می‌آوریم. خودتان اصراری برای شکل مشخصی از چهره‌پردازی داشتید؟

هرگز. ولی عبدالله اسکندری همان اوایل کار به من گفت هر طوری الان گریمت کنم، تا آخر این‌طوری خواهی ماند و درست هم گفت. غالبا در آثار دوست نداشتند من ریش و سبیل داشته باشم. الان وقتی فرصتی پیش می‌آید که ریش و سبیل داشته باشم، ذوق می‌کنم!

خب بگذارید آخرین پرسش را به انجمن عکاسان اختصاص بدهیم. رابطه شما با عکس‌های فیلم سر صحنه چطور بود؟

من تک‌تک دوستان عکاس را دوست دارم و متأسفم که به دلیل پیشرفت تکنولوژی، صنعت عکاسی هم دچار تغییراتی شد که حرفه‌ای‌های این عرصه دارند آسیب می‌خورند. الان که نگاه می‌کنم، می‌بینم چه گذشته‌ای از من ثبت کرده‌اند. عکس باعث شد مردم بیشتر به سمت سینما گرایش پیدا کنند. اینکه عکاس یک فیلم چه نگاهی دارد، بسیار مهم است؛ اما متأسفانه چنان‌که سزاوارشان بود، ارج و بها ندیدند.

راستش عکاسان سینما آدم‌های مظلومی هستند که بسیاری حتی متوجه حضورشان در صحنه نمی‌شود. همیشه آرام و بی‌صدا کارشان را می‌کنند و در تمام این سال‌ها نادیده گرفته شده‌اند. در واقع به نظر من ثبت عکس کمتر از کار فیلم‌بردار نیست و امیدوارم شرایط کار برای عکاسان سینما روزبه‌روز بهتر شود.

یادمان

درگذشت محسن وزیری‌مقدم در رم

● **گروه هنر:** محسن وزیری‌مقدم، از استادان بنام نقاشی و مجسمه‌سازی کشور، صبح ۱۶ شهریورماه در ۹۴ سالگی به دلیل کهولت سن در منزلش در شهر رم درگذشت.محسن وزیری‌مقدم، از چهره‌های تأثیرگذار هنر کشور، جمعه، ۱۶ شهریور، به دلیل کهولت سن دار فانی را وداع گفت. این هنرمند مجسمه‌ساز و نقاش که نقشی بی‌مثال در هنر ایران دارد، سال‌ها نیز به تربیت هنرجویان کشور پرداخت و چندین نسل از هنرمندان کشور شاگرد او هستند.هامون وزیری‌مقدم، فرزند ارشد این هنرمند و مدیر و مؤسس بنیاد محسن وزیری‌مقدم، در گفت‌وگویی با ایسنا این خبر را تأیید کرده است.او درباره پدرش ـ محسن وزیری‌مقدم ـ چنین گفت: با اینکه پدر دچار کهولت سن شده بودند، اما همچنان تا آخر عمرشان به خلق آثار هنری ادامه دادند که برخی از این آثار در گالری اعتماد به نمایش درآمد. پدر همچنین فعالیتشان را در خارج از کشور ادامه دادند و بعد از نمایشگاه اعتماد، در کشوری مانند آلمان هم نمایشگاهی از آثار او برگزار شد.وزیری‌مقدم متولد سال ۱۳۰۳ در تهران است و سال ۱۳۳۴ راهی ایتالیا شد و در آکادمی هنرهای زیبای رم تحصیل کرد. وزیری‌مقدم در چندین نمایشگاه داخلی و خارجی شرکت کرده و آثار او در موزه‌های مهم دنیا نگهداری می‌شود. «شیوه طراحی»، «راهنمای نقاشی»، «طراحی» و «۱۴ گفتار» از جمله کتاب‌های منتشرشده این هنرمند است. محسن وزیری‌مقدم از جمله شاخص‌ترین هنرمندان نسل اول نقاشی نوگرای ایران است که آثاری بدیع با رویکرد مدرنیستی خلق کرده. او با به‌کارگیری شیوه‌ای شخصی و منحصربه‌فرد در استفاده جسورانه از مواد و مصالح غیرمتعارف، دست به خلق آثاری زده که تا به امروز، تازگی و خلاقانه‌بودن خود را حفظ کرده‌اند. مجموعه نقاشی‌های شنی یکی از شاخص‌ترین دوره‌های هنری محسن وزیری‌مقدم است که به نام این هنرمند در سی‌ویکمین دوره بی‌ینال ونیز مطرح شد. این مجموعه کارها، رویکرد منحصربه‌فردی در نقاشی انتزاعی ایران به حساب می‌آیند که هنرمند با به‌کارگیری و ترکیب ماسه‌های قهوه‌ای، سیاه و روشن بر سطح بوم به آنها دست یافت.وزیری‌مقدم از اواخر دهه ۱۳۳۰ خورشیدی، نقاشی بازنمودی را کنار گذاشته و به پژوهش و تجربه استفاده از ماده، بافت و امکانات بیان تصویری با سطوح مختلف پرداخت. این نقاشی‌های انتزاعی که با حرکت‌های سریع دست ساخته شده‌اند، مشخصا تأثیرات جنبش هنر بی‌فرم (Art Informel) را نشان می‌دهند.وزیری‌مقدم از شاخص‌ترین نقاشان نوگرای ایران بود که با رویکردی مدرنیستی و سبکی شخصی، آثاری بدیع و منحصربه‌فرد خلق کرده است. او از نخستین دانش‌آموختگان دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران بود و در سال‌های ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۵ ریاست دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران را برعهده داشت.شن‌نگاری‌های وزیری‌مقدم، علاوه‌بر اینکه به یکی از جدی‌ترین جریان‌های هنر مدرن مربوط می‌شود، ارجاعاتی به پریمیتیویسم یا نوعی بدویت‌گرایی در هنر دارند. حتی می‌توان دورتر رفت و آنها را هم‌تراز نقاشی‌های دیواری انسان نخستین با دست در غارهای باستانی دانست. به همین جهت می‌توان تأثیری از هنر تجریدی و چکیده‌نگارانه سپیده‌دم تاریخ را بر آثار این هنرمند ردیابی کرد. دقیقا ازهمین‌رو بسیاری از منتقدان غربی، از جمله توروکو لیوری، ماریو بوسالی یا جولیو کارلو آرگان، اهمیت بسزایی برای این دوره از کارهای وزیری‌مقدم قائل شده‌اند.همچنین وزیری‌مقدم به ساخت مجسمه‌های چوبیِ مَفصلی و متحرکش مشهور است. او اولین‌بار مجسمه‌هایی ساخت که مخاطب می‌توانست در اثر هنری او دخالت داشته باشد.کتاب محسن وزیری‌مقدم پس از چند سال انتظار روانه بازار کتاب شد. این کتاب که «یادمانده‌ها» نام دارد، شامل زندگی‌نامه محسن وزیری‌مقدم است که به قلم این هنرمند مکتوب شده. این کتاب داستان زندگی این نقاش مدرنیست از بدو تولد تا به امروز است و به‌نوعی فصلی از تاریخ هنر ایران محسوب می‌شود. با مطالعه این کتاب و در میان خاطرات وزیری‌مقدم به راحتی می‌توان آنچه که بر هنر معاصر ایران گذشته را دریافت.وزیری‌مقدم در بخشی از مقدمه این کتاب نوشته است: «آنچه در این نوشتار آورده شده مجموعه رویدادهایی هستند که در طول ۸۸ سال زندگی با آنها دست‌به‌گریبان بوده‌ام و سعی کرده‌ام با کمال صراحت و بدون اغراق‌گویی ماجراهای شاد و دردناک و تلاش بی‌امان خود را برای به‌وجودآوردن آثار هنری در مراحل گوناگون زندگی بیان کنم. در یک جمع‌بندی کلی به این نتیجه می‌رسم که گویی سرنوشت با من سر ناسازگاری داشته و یا شاید نیروی مافوق تصوری خواسته مرا آزمایش کند تا معلوم شود چه اندازه نیروی ایستادگی در برابر مشکلات دارم. تنها دورانی که از یک آسایش نسبی برخوردار بودم، از ۳۳ سالگی تا ۴۲ سالگی را دربر می‌گیرد».کتاب «یادمانده‌ها» نخستین‌بار در سال ۹۳ مجوز نشر دریافت کرد و مراحل چاپ آن طی شد، اما به دلایل متعدد این کار انجام نشد تا سرانجام نشر نظر در روزهای گذشته آن را به سرانجام رساند و «یادمانده‌ها» در ۳۸۴ صفحه و بهای ۹۸ هزارتومان روانه بازار شد.

شرکت ملی مناطق نفتخیز جنوب (سهامی خاص)

تکرار فراخوان شناسایی پیمانکار(ارزیابی کیفی) شماره مجوز ۱۳۹۷/۲۷۳۵ نوبت اول

شرکت ملی مناطق نفتخیز جنوب در نظر دارد پیمانکاران واجد شرایط جهت پشتیبانی فنی از نرم افزار خواص سیال PVTPRO . مورد نیاز معاونت مهندسی نفت را طبق مشخصات و با شرایط کلی زیر شناسایی و ارزیابی نماید.

الف- شرح مختصر خدمات:

۱- پیمانکار باید صاحب امتیاز نرم افزار PVTPRO باشد.
۲ - پشتیبانی از نرم افزار تخصصی خواص سیال PVTPRO:
۱-۲ پیمانکار متعهد به ارائه خدمات پشتیبانی از نرم افزار با توان پشتیبانی فنی بالا و کارشناسان مجرب می باشد و لازم است ساختار سازمانی مناسب برای انجام این کار داشته باشد
۲-۲ ارتقاء نرم افزار در بازه‌های زمانی ۶ ماهه و در اختیار قرار دادن نسخه های جدید نرم افزار، سریعا پس از تولید به کارفرما و نصب و راه اندازی آن .
۳-۲پیمانکار موظف است پیشنهادات کار فرما جهت ارتقاء نرم افزار یا تغییر آن در مواردی که متناسب با نیاز شرکت ملی مناطق نفت خیز جنوب است را عملی سازد
۳- برگزاری دوره های آموزشی با کیفیت مطلوب مورد در خواست کار فرما

ب- محل اجرای خدمات

محل اجرای خدمات در شرکت ملی مناطق نفتخیز جنوب و مدت انجام آن ۳۶ ماه (۳ سال) می باشد.

ج- شرایط متقاضیان:

۱- داشتن شخصیت حقوقی و قانونی جهت شرکت در مناقصه.
۲- داشتن امکانات سخت افزاری و نرم افزاری لازم و همچنین تیم فنی متخصص و باتجربه، جهت ارتقاء نرم افزار
۳- توانایی ارائه تضمین ها و بیمه نامه های مورد نیاز
ه- محل، زمان و مهلت دریافت مدارک متقاضیان:
از کلیه متقاضیان واجد شرایط دعوت میشود حداکثر ظرف ۱۰ روز پس از انتشار آگهی، آمادگی خود را بصورت کتبی به یکی ازنشانی های ذیل الذکر اعلام و همزمان نسبت به دریافت مدارک ارزیابی کیفی اقدام نمایند.
ضمنا می بایستی ظرف مدت ۱۴ روز لاشه فیزیکی مدارک و اطلاعات مورد در خواست بهمراه تغذیه در یک حلقه لوح فشرده تهیه و به نشانی های ذیل در مقابل رسید تحویل گردد.
اهواز ، کوی فدائیان اسلام، خیابان پارک ۴ روبروی امور مسافرت مجتمع امور حقوقی و قرار دادها اتاق شماره یک و یا تهران، میدان آرژانتین، ابتدای خیابان بیهقی، پلاک ۱۷، ساختمان مرکزی یازدهم شرکت ملی نفت ایران، دفتر امور حقوقی و قراردادهای مناطق نفتخیز جنوب

روابط عمومی– شرکت ملی مناطق نفتخیز جنوب
www.w.NISOC.IR www.SHAN.IR HTTP://IETS.MPORG.IR